



توراه اور • پاراشاها ویشلاخ • مامار 5

ויקח מן הבא בידו מנחה לעשו אחיו כו'

«و از آنچه به دستش رسید، گرفت»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayishlach/5

1 **ויקח מן הבא בידו מנחה לעשו אחיו כו'. הנה כל הקרבנות נק' בשם מנחה כמ"ש והבל הביא גם הוא מבכורות צאנו ומחלבהן וישע ה' אל הבל ואל מנחתו כו'**

«و از آنچه به دستش آمد، پیشکشی (مِنَحَا، minchah) برای عیسو (عشو)، برادرش، گرفت» و غیره. اکنون، همه قربانی‌ها را به نام **مِنَحَا** می‌خوانند، چنان‌که نوشته شده است: «و هابيل (הבל) نیز از نخست‌زادگان گله‌اش و از چربی‌هایشان آورد؛ و نام چهارحرفی (ה', Havayah) به هابيل و به پیشکش او (מנחתו, minchaso) نظر کرد» و غیره.

(הגם שהיה קרבן מנחה בפ"ע [בפני עצמו] כמו מנחת סלת ומחבת כו'. אך כל התורה היא כלל ופרט וכן תפלה שכנגד קרבנות כל התפלות בכלל נק' מנחה ותפלת מנחה בפ"ע [בפני עצמו] היא פרט ועיין בתש"ו [בתשובות] אמונת שמואל סי' כ')

(هرچند پیشکش غذایی ای (مِنَحَا) نیز وجود داشت که خود قربانی‌ای مستقل بود، مانند پیشکش آرد نرم و [پیشکش] تابه و غیره. اما کل تورات کلی و جزئی است؛ و دعا نیز که در برابر قربانی‌ها قرار دارد، همین‌گونه است: همه دعاها در معنای کلی **مِنَحَا** نامیده می‌شوند، و نماز **مِنَحَا** به‌خودی‌خود مصداقی جزئی است. و نیز بنگرید به مجموعه پاسخ‌های فقهي Emunas section 20، (אמונת שמואל) Shmuel).

הרי שהיו בכורות צאנו נק' בשם מנחה. ויובן זה ע"פ הקדמה כי נודע כי אני הוי"ה לא שניתی כתיב ולמ"ב [וולית מחשבה תפיסא ביה] ואינו בגדר עלמין כלל ואעפ"כ [ואף על פי כן] כי ממך הכל כתיב.

پس نخست‌زادگان گله‌اش به نام **مِنَحَا** خوانده شدند. این مطلب با مقدمه‌ای روشن خواهد شد. زیرا می‌دانیم که نوشته شده است: «من، ה'، تغییر نکرده‌ام» و «هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند او را دریابد»؛ و او مطلقاً در مقوله عوالم نمی‌گنجد. با این همه، نوشته شده است: «زیرا همه‌چیز از توست.»

אך הוא ע"י זיו והארה הודו על ארץ ושמים כו' וגם הארה זו עצמה מעצמותו ית' לא היו העולמות יכולים לקבל חיות ושפע להיותן בבחי' גילוי עולמות כ"א ע"י השתלשלות דהיינו כשלשלת הארה והארה דהארה.

اما این از راه پرتویی و روشنایی‌ای است: «شکوهش بر زمین و آسمان است» و غیره. و حتی این روشنایی نیز که از ذات مبارک اوست، عوالم نمی‌توانستند نیروی حیات (חיות, chayus) و فیض [از آن] دریافت کنند، تا به‌صورت عوالمی آشکار وجود داشته باشند، مگر از راه زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)؛ یعنی همچون زنجیری: پرتویی، و پرتویی از یک پرتو.

2 וכל מה שירוד ומשתלשל מטה מטה הוא הארה דהארה מהעליון ממנו כו'. וכל מיני מדרגות ברבוי התחלקות העולמות ועליות וירידות הכל הוא בבחי' זיו והארה אם רב ואם מעט.

ו هرچه پایین تر و پایین تر فرو می آید و سلسله وار نزول می کند، پرتوی از پرتوی آن مرتبه ای است که بالاتر از آن قرار دارد، و غیره. همه گونه های مراتب، با تقسیمات بسیار عوالم و فراز و فرودها، همگی در حد پرتو و روشنایی اند، چه پرتو و روشنایی بسیار و چه اندک.

ویש בזה כמה מיני מדרגות זו למעלה מזו כמו עוה"ב [עולם הבא] ותחה"מ [ותחיית המתים] ואלף הז' יום שכולו שבת ומנוחה לחיי העולם שהוא עילוי אחר עילוי והכל הוא בזיו וההארה כו'.

و در این زمینه چندین گونه مرتبه هست، یکی بالاتر از دیگری؛ مانند عالم آینده، رستخیز مردگان و هزاره هفتم، «روزی که سراسر روز سبت (שבת, Shabbos) و آسایش برای حیات جاودان است»؛ که صعودی پس از صعود دیگر است، و همه آن در پرتو و روشنایی است، و غیره.

3 והנה יש ב' מיני השתלשלות. השתלשלות האורות בכלים בבחי' פנימי' [פנימיות / פנימית] שהוא לפ"ע [לפי ערך] הכלי שהכלי יכול להגבילו.

اکنون، دو گونه زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) وجود دارد. [نوع نخست،] نزول نورها در ظرفها به شیوه نور درونی (פנימי', pnimi) است؛ این نزول متناسب با ظرف است، به گونه ای که ظرف می تواند آن را محدود سازد.

ویש בבחי' מקיף دهיינו שאינו מוגבל בכלי. ویובן זה בעבודת ה' שבלב זו תפלה ברשפי אש

و [نزولی] نیز به مرتبه نور فراگیر (מקיף, makif) هست؛ یعنی نوری که در ظرف محدود نمی شود. این مطلب را می توان در خدمت ה' که در دل است، یعنی نماز با شراره های آتش، فهمید.

שכאשר האהבה באה מהתבוננות כי הוא חייך וחיי החיים של כל העולמות נמשך מזה תשוקת הנפש כאשר תוכל שאת לפי מזגה ותכונתה.

هنگامی که عشق از تأمل در این حقیقت برمی آید که او زندگی تو و زندگی همه عوالم است، از این تأمل اشتیاق نفس برمی خیزد؛ به اندازه ای که نفس می تواند آن را تاب آورد، و متناسب با مزاج و سرشت خود.

משא"כ כשהאהבה באה מחמת שישים אל לבו ויעמיק בעומקא דלבא כי אני ה' לא שניתני כתיב ולמ"ת
[ולית מחשבה תפיסא ביה] כו'. אשר ע"כ תכלה אליו נפש כל חי להבטל במציאות ולהתכלל באחד ממש.

اما هنگامی که عشق از آن رو برمی خیزد که شخص این حقیقت را به دل می گیرد و در عمق دل می اندیشد که نوشته شده است: «من، ה'، تغییر نکرده ام» و «هیچ اندیشه ای نمی تواند او را دریابد» و مانند آن، چنین نیست. از این رو، نفیس هر موجود زنده ای به سوی او مشتاق می شود تا در هستی خویش به خودنهی گری برسد و حقیقتاً در یگانه واحد مندرج شود.

4 **ולכן כאשר ישیم אל לבו ג"כ ריחוקו מא"ס ב"ה אשר ירדה הנפש ותרד פלאים בעלמא דפרودא כו'**

بنابراین، هنگامی که او همچنین فاصله خود را از بی نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که متبارک است، به دل می گیرد و می اندیشد که نفس چگونه فرود آمده و به شکلی شگفت انگیز در عالم جدایی (עלמא דפרודא, alma de-peruda) سقوط کرده است، و غیره،

תהי התגברות האהבה ביותר מאשר תוכל שאת עד שאין כח בנפש לכלוא את האה"ר [האהבה רבה] וזהו
בח"י בכל מאדך בחילא יתיר כו':

عشق حتی بیش از آنچه [نفس] تاب آورد شدت خواهد گرفت، تا آنجا که نفس نیرویی برای در خود نگاه داشتن عشق عظیم ندارد. و این مرتبه «با تمام نیروی خود (مأدך, me'odecha)» است، با نیرویی فراتر از اندازه، و غیره.

5 **והנה כתיב פני אריה אל הימין وفני שור מהשמאל שבחי' פני השור הוא למטה ממדרגת האריה** **במרכבה שבחי' פני אריה הוא אל הימין כו' ואעפ"כ [ואף על פי כן] למטה בעוה"ז הרי השור הוא בהמה** **טהורה והארי הוא חיה טמאה.**

اکنون نوشته شده است: «چهره شیر به سوی راست است و چهره گاو از سوی چپ». چهره گاو در مرکب، پایین تر از مرتبه شیر است، زیرا چهره شیر به سوی راست است و جز اینها. با این حال، در پایین، در این جهان، گاو حیوان اهلی طاهر است، حال آنکه شیر جانوری وحشی و ناپاک است.

6 **והענין כי אדרבה מה שהוא למעלה במדרגה יותר גבוה אין לו התלבשות בכלי למטה להיות גילוי** **בחינתו כמו שהוא למעלה בקדושה**

توضیح آن است که برعکس، آنچه در مرتبه ای بالاتر قرار دارد، در پایین در ظرفی متلبس نمی شود تا جنبه اش همان گونه که در بالا و در قداست هست آشکار گردد.

וכמו אריה שהוא בחי' גבורה גבור כארי שהוא התגברות האור במאד מאד עד שא"א להיות שורה ומתגלה קדושתו למטה בכלי שנכלל בקדושה וכמו בהמה טהורה אלא ע"י דרך נפילת האור ברפ"ח נצוצין שבשבה"כ [שבשבירת הכלים] בג' קליפות הטמאות

برای نمونه، شیر که مرتبه قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) است، «نیرومند چون شیر»؛ یعنی شدت‌یافتن نور تا اندازه‌ای بسیار عظیم، به گونه‌ای که قداستش نمی‌تواند در پایین در ظرفی که در قداست مندرج است جای گیرد و آشکار شود، چنان‌که در حیوانی پاک چنین است؛ مگر از راه فرو افتادن نور در ۲۸۸ جرقة شکستن ظرف‌ها، درون سه پوسته ناپاک (קליפות, kelipos).

ואז הוא בחי' חיה טמאה שמקבל חיות מנפילות הנצוצים מארי דקדושה.

و آن‌گاه مرتبه حیوانی ناپاک است که از نیروی حیات جرقة‌های فروافتاده از شیر قداست نیرو می‌گیرد.

אבל לא בהתגלות בחי' ארי' [אריה] בדרך השתלשלות והתלבשות כבהמה טהורה רק בחי' מקיף מלמעלה והוא בחי' לבונה כו' כמ"ש במ"א.

اما [این] از راه آشکار شدن مرتبه شیر، به واسطه زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) و پوشیده شدن در ظرف نیست، چنان‌که در حیوانی پاک هست؛ بلکه تنها به صورت نوری فراگیرنده (نور makif) از بالا است. و این مرتبه کندر (לבונה, levonah) است و غیره، چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

7 **וזהו שעשו היה בכור שהוא מבחי' לפני מלך מלך כו' בהר שעיר בארץ אדום כו'**

و این است علت آن‌که عیسو (עשו) نخست‌زاده بود؛ زیرا او از مرتبه «پیش از آن‌که پادشاهی فرمانروایی کند» است، و غیره؛ «در کوه سعیر»، «در سرزمین ادوم» و غیره.

ועשו היה מקור הז' ملכים שמלכו כו' וימת וימלוך כו' שהוא בחי' שליח המקפת על הולד שקדמה לולד.

و عیسو سرچشمه هفت پادشاه بود که فرمانروایی کردند، و غیره: «و مرد و [دیگری] فرمانروایی کرد؛ و مرد و [دیگری] فرمانروایی کرد» و غیره؛ این مرتبه جفتی است که جنین را دربرمی‌گیرد و پیش از جنین است.

8 והעיקר הוא הולד שנולד ובצאתו זורקין השליא כו' שאינו מקבל רק בחי' מקיף. לפיכך עליהם נאמר

רם על כל גוים הוי"ה ויעקב יו"ד עקב הוי"ה אלקינו ואהבת את ה' אלקיך כו'

اما اصل، فرزندی است که زاده می‌شود؛ و چون بیرون می‌آید، جفت را دور می‌اندازند و غیره، زیرا جفت فقط جنبهٔ فراگیر [نور] را دریافت می‌کند. از این رو دربارهٔ آنان گفته شده است: «نام چهارحرفی (ה', Havayah) بر فراز همهٔ ملتهاست.» و یعقوب (יעקב, Yaakov) را «یود-پاشنه» می‌خوانند؛ یعنی حرف یود (יו"ד, Yud) [و] پاشنه (עקב, eikev): «ה' אלקינו» و «ה' אלקיך را دوست بدار» و غیره.

הגם שיו"ד היא הארה מצומצמת הלא מצער היא ויכולה ליכנס בפנימי [בפנימיות / בפנימית] ואין הכלי יכולה לקבל אלא ע"י צמצום כמו יו"ד כו'

با آن که یود پرتویی منقبض است («مگر کوچک نیست؟»)، می‌تواند به درون راه یابد [به صورت نوری درونی]، و ظرف تنها از راه انقباض (צמצום, tzimtzum) می‌تواند دریافت کند؛ همچون یود و غیره،

כדי שמזה יהיה לו רשפי אש והתלהבות בתפלה וכיוצא בה שמפני שהיא הארה מועטת יש כח בלב להיות מכילה.

تا از این راه، در دعا و مانند آن، شراره‌های آتش و شور و حرارت در او پدید آید؛ زیرا چون این پرتو اندک است، دل توان آن را دارد که در خود جای دهد.

9 והמשכת אלקות מלמעלה ג"כ ע"י התלבשות כלים אשר קדשנו במצותיו רמ"ח אברין דמלכא. ובימי

האבות שלא ניתנה תורה היו להם עובדות אחרים כמו בארות ומקלות כו'.

و فرودآوردن الوهیت از بالا نیز از راه پوشیده‌شدن در ظرف‌هاست: «که ما را با فرمان‌هایش تقدیس کرده است»؛ این فرمان‌ها ۲۴۸ عضو پادشاه‌اند. و در روزگار پدران، هنگامی که تورات هنوز داده نشده بود، آنان شیوه‌های دیگری از خدمت داشتند، مانند چاه‌ها و چوب‌ها و جز آن.

משא"כ עכו"ם [עובדי כוכבים ומזלות] לפי שהוא רם ונשא עליהם דהיינו בחי' המקיף בלבד אינו נכנס תוך פנימיותם להיות בטל אליו רק הוא יש ונפרד בפ"ע [בפני עצמו] שאין לו שייכות כלל הגם דקרו ליה אלקא דאלקיא:

اما دربارهٔ بت‌پرستان چنین نیست: از آن رو که ה' بر فراز آنان بلند و متعالی است، یعنی فقط به صورت [نوری] فراگیر، به درون باطن آنان وارد نمی‌شود تا در برابر او به حالت خودنفی‌گری درآیند؛ بلکه [هر یک] موجودی مستقل (יש, yesh) برای خود است که هیچ پیوندی [با او] ندارد، هرچند او را «معبود معبودان» می‌خوانند.

10 והנה הקרבנות הם העלאת מ"ן [מיין נוקבין] להיות ריח ניחוח דהיינו כמו ריח שהוא משיב את הנפש כך

הקרבנות הם מעלים מ"ן [מיין נוקבין] בבחי' ריח שיהיה ניחוח להוי"ה גילוי המשכת והשראת שכינתו

שיהא שורה ומתגלה בחי' אלקות בנפשו

اکنون، قربانی‌ها برآوردنِ آب‌های مؤنث (م"ן, mayin nukvin) هستند، تا «عطر خوشایند (ריח ניחוח, rei'ach nicho'ach)» باشند؛ یعنی همان‌گونه که عطر جان را بازمی‌آورد، قربانی‌ها نیز آب‌های مؤنث را در مرتبهٔ عطر برمی‌آورند، تا برای ה' ניחוח باشد؛ یعنی آشکارشدن، فرودآمدن و استقرارِ حضورِ الهی (שכינה, Shechinah) او، تا مرتبه‌ای از الوهیت در جانی او قرار گیرد و آشکار شود.

וזהו ניחוח לשון ירידה דהיינו שיהא ירידה והשתלשלות אלקות מעילה לעילה עד שיכנס ויתגלה

בנפש האדם בתוכו ובפנימיותו ממש

و این معنای نیحוח است، واژه‌ای که بر نزول دلالت دارد: یعنی الوهیت از مرتبه‌ای به مرتبهٔ دیگر نزول و تسلسل یابد، تا آنگاه که در جانی انسان وارد شود و در او، در درونی‌ترین وجودِ خودِ او، آشکار گردد.

והטעם כי הנה ענין העלאת מ"ן [מיין נוקבין] היינו כמו שמביאין למלך דבר חדש בכדי שיפנה אל בקשה

הקטנה והנמוכה לגבי מעלת ומדרגת המלך.

و دلیلش این است که برآوردنِ آب‌های مؤنث مانند آن است که چیز تازه‌ای نزد پادشاه ببرند، تا او به درخواستی کوچک و فروپایه روی آورد؛ درخواستی که در قیاس با عظمت و جایگاه پادشاه ناچیز است.

שע"י דבר חדש הוא ממשיך לב המלך כמו ע"י צפור המדברת

זیرا به واسطهٔ چیزی تازه، دلِ پادشاه را به خود می‌کشند؛ چنان‌که به واسطهٔ پرنده‌ای سخنگو.

הגם שבנ"א [שבני אדם] מדברים בבינה יתירה אך מצד החידוש שהצפור תדבר עי"ז ימשיך ויעורר לב

מלכים אין חקר שיפנה לבקשת ההדיוט.

هرچند انسان‌ها با فهمی بسیار برتر سخن می‌گویند، اما از آن‌رو که سخن‌گفتنِ پرنده امری تازه است، به واسطهٔ آن می‌توان «دلِ پادشاهان را که ژرفای آن سنجیدنی نیست» به خود کشید و برانگیخت، تا به درخواستِ فردی از عامه توجه کند.

11 ולכן העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] תלוי באתעדל"ת [באתערותא דלתתא] דייקא נפשות ישראל המלובשים בגוף כו'.
הגם שהמלאכים עומדים ברום עולם ותמיד מששת ימ"ב [ימי בראשית] בלי הפסק אומרים ביראה קדוש
 גם בדעת יותר ידברו שהשגתם גדולה ועצומה ומתענגים על ה' לאין קץ.

ازاین رو، بالا بردن آب‌های مؤنث (م"ן, mayin nukvin) مشخصاً به برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata)، [یعنی از سوی] نفوس اسرائیل که در جسم پوشیده‌اند، وابسته است و جز اینها. هرچند فرشتگان در بلندای جهان ایستاده‌اند و پیوسته، از شش روز آفرینش تاکنون و بی‌وقفه، با هیبت می‌گویند: «مقدس است»؛ و نیز با شناختی افزون‌تر سخن می‌گویند، زیرا فهمشان بزرگ و عظیم است و بی‌پایان از ه' لذت می‌برند.

משא"כ למטה שיש מחשבות זרות רבות הטורדות ומפילות לב האדם וגם האהבה שמעורר חולפת
ועוברת ויש לה הפסק וכו'.

اما در پایین چنین نیست؛ آنجا اندیشه‌های بیگانه بسیاری هست که انسان را پریشان می‌کنند و دلش را فرومی‌اندازند؛ و حتی عشقی که برمی‌انگیزد، می‌گذرد و فروکش می‌کند و گسست‌هایی دارد و جز اینها.

אך בשביל החדוש שבזה שהרי כח זה באדם למטה להיות מדבר הוא מאכילה ושתייה.

اما [این امر ارزشمند است] به سبب تازگی‌ای که در آن است؛ زیرا این نیرویی که انسان در پایین برای سخن گفتن دارد، از خوردن و آشامیدن می‌آید.

12 ומי שאינו אוכל ג' ימים נעשה חלוש ואין לו כח הדבור בשלימות וכן כמה מניעות שתלוי בגשמיות
כמו מניעת הקור כו'

و کسی که سه روز چیزی نخورد، ناتوان می‌شود و نیروی سخن‌گفتنش کامل نخواهد بود؛ همچنین موانع دیگری نیز هست که به امور جسمانی وابسته‌اند، مانند مانع سرما و غیره.

הרי כח הדבור שלמטה שחיותו מדברים גשמיים דבר זה יקר מאד בעיני ה'. וכמשל צפור הנ"ל. וכן כל
הקרבות כבשים ועזים הוא מהתלבשות ב"ע כו'.

پس نیروی سخن‌گفتن عالم پایین، که نیروی حیاتش از امور جسمانی است، در نظر ه' بسیار گران‌بهاست؛ همانند مَثَل پرنده‌ای که پیش‌تر آمد. همچنین همه قربانی‌ها، از گوسفند و بز، از پوشیده‌شدن در [عوالم] عالم آفرینش (ברیאה, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (عשיה, Asiyah) سرچشمه می‌گیرند و غیره.

ולכן כשעולה למעלה הוא דבר חדש מה שלא נראה כן בעולמות עליונים ולכן הם המעלים מ"נ [מ"ן נוקבין] **ולכן נק' בשם מנחה.**

ازاین‌رو، هنگامی که از پایین به بالا می‌رود، چیزی نو است که در عوالم برتر به این صورت دیده نشده است؛ پس آن‌ها هستند که آب‌های مؤنث (میין نוקבין, mayin nukvin) را بالا می‌برند و ازاین‌رو به نام پیشکش (مנחה, minchah) خوانده می‌شوند.

مנחה ر"ת [ראשי תיבות] **מ"ן** [میין نוקבין] **میין نוקבין. ח' חכמה ומזל הח' נוצר חסד ומשפיע בה' בה' בראם**
היא בחי' כנ"י [کنסת ישראל] **(גם לשון מנחה מל' ניהוח)**

[واژه] **مנחה** [با] حروف آغازین **מ"ן** آغاز می‌شود. حرف **ח** (ches) به حکمت (**חכמה**, Chochmah) اشاره دارد؛ و سرچشمه آن، مجرای فیض هشتم (**מזל**, mazal)، «نوتسر **חסد**» (notzer chesed؛ [نگهدارنده مهر]) است که در حرف **ה** (ה) جاری می‌شود: «**به** آفریدشان» (**בה'** بראם, behibar'am)، که مرتبه جماعت اسرائیل (کنסת ישראל, Knesses Yisrael) است. (واژه minchah همچنین با نیکوآخ (**ניהוח**, nicho'ach؛ [بوی خوش]) پیوند دارد).

והנה לע"ל [لעתיד לבוא] **כתיב אז אהפך אל עמים שפה ברורה כו'. וכן דהע"ה** [דוד המלך עליו השלום] **אמר**
הודיעו בעמים עלילותיו וכתיב הבו לה' משפחות עמים כו' ויאמרו בגוים כו'.

اکنون، درباره زمان آینده نوشته شده است: «آنگاه قوما را به سوی زبانی پاک می‌گردانم» و غیره. همچنین داوود پادشاه (دود)، که آرامش بر او باد، گفت: «کارهای او را در میان قوما بشناسانید»؛ و نوشته شده است: «ای خاندان‌های قوما، به **ه'** جلال دهید» و غیره؛ «و در میان ملت‌ها بگویند» و غیره.

ולהבין מה לנו להזכיר את עובדי כוכבים. אך הענין כי הנה כל הבירורין הוא מבחי' עמים ששם נפל
רפ"ח הנצוצין

و [باید] فهمید چرا باید از بت‌پرستان یاد کنیم. اما مطلب این است که همه پالایش‌ها (بیرורים, beirurim) از مرتبه قوم‌هاست؛ همان‌جا که ۲۸۸ جرقه فروافتادند.

وهוא ע"י בחי' לבונה שהוא המקיף שעליהם שהוא יתברר ויעלה למעלה בקדושה ויהיה עשו במדרגתו
הגבוה לפני מלך מלך כו' מעולם התהו בקדושה

و این به‌واسطه مرتبه کندر (**لبונה**, levonah) است، یعنی [نور] فراگیری که بر آنان احاطه دارد؛ تا آن پالوده شود و در قدوسیت به بالا برآید، و عیسو (**عشو**) در مرتبه بلند خود قرار گیرد: «پیش از آن‌که پادشاهی فرمانروایی کند» و غیره؛ از عالم بی‌سامانی (**תהو**, Tohu)، در قدوسیت.

**כי יעקב י' עקב הוא בחי' פנימי' [פנימיות / פנימית] ויקם עדות ביעקב ותורה שם בישראל ואתם קרויים
אדם אדם מ"ה [שם מ"ה] עולם התקון**

זیرا یعقوب (יעקב)، יוד عقیب (י' עקב, yud eikev)، مرتبة [نور] درونی است: «در یعقوب گواهی ای برپا داشت و توراتی در اسرائیل نهاد»؛ و «شما انسان (adam, آدم)، خوانده می‌شوید»؛ آدم، [که ارزش عددی‌اش با نام] م"ה (Mah) [برابر است]، عالم اصلاح (תיקון, Tikkun).

**ولע"ל [ולעתיד לבוא] יתברר גם עשו שמעולם התהו בחי' המקיף שיהי' [שיהיה] בחי' מקיף דקדושה ויוכלל
הכל ביעקב שיהי' [שיהיה] ליעקב גם בחי' המקיף שהוא בחי' ומדרגה יותר עליונה שם ס"ג [שם ס"ג]
שהוא גדול משם מ"ה [שם מ"ה] ואשת חיל כו':**

و در آینده، عیسو (عشو) نیز که از عالم آشفگی (תהו, Tohu)، یعنی مرتبة فراگیر [نور]، است، پالوده خواهد شد؛ به گونه‌ای که آن مرتبه، نور فراگیر قدوسیت شود و همه چیز در یعقوب (יעקב) گنجانده شود؛ تا یعقوب نیز مرتبة فراگیر [نور] را داشته باشد، مرتبه‌ای برتر و جایگاهی والاتر، یعنی نام ס"ג (Sag؛ ۶۳)، که از نام م"ה (Mah؛ ۴۵) بزرگتر است؛ و «زنی بافضیلت» و جز این.

**13 והנה כפי ההמשכה שלמעלה כך צ"ל המ"ן [המ"ן נוקבין] שמלמטה וכדי להמשיך בחי' המקיף עליון
דקדושה צ"ל העלאת מ"ן [מ"ן נוקבין] בבחי' מקיף دهיינו למעלה מכדי שתוכל נפשו שאת וכו"ל.**

اکنون، همان‌گونه که افاضه از بالا صورت می‌گیرد، آب‌های مؤنث (מ"ן, mayin nukvin) از پایین نیز باید با آن متناسب باشد. و برای آنکه مرتبة [نور] فراگیر برین قدوسیت را فرود آوریم، باید م"ן را در مرتبة [نور] فراگیر بالا برد؛ یعنی فراتر از آنچه نفس تاب تحملش را دارد، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

**ובפרט כשרואה בנפשו הפחיתות מרבות מחשבות המעיקים וטורדים ומפילים אזי צריך הוא לצעוק אל
ה' בצר לו למעלה מכדי שתוכל נפשו שאת.**

و به‌ویژه هنگامی که انسان در نفس خود پستی‌ای را می‌بیند که از اندیشه‌های بسیار پدید می‌آید، اندیشه‌هایی که او را می‌فشارند، پریشان می‌کنند و به زیر می‌افکنند، آن‌گاه باید «در تنگنای خود به ה' فریاد برآورد»، فراتر از آنچه نفس تاب تحملش را دارد.

14 ולכן כשראה יעקב את עשו למטה קם עליו הקריב מנחה היא העלא' [העלאת / העלאה] לעשו אחיו

שלמעלה מעולם התהו ששם הוא אחיו

ازاین‌رو، هنگامی که یعقوب (יעקب) عیسو (عشو) را در پایین دید که بر او برمی‌خاست، پیشکشی (مناحه, minchah) تقدیم کرد؛ پیشکشی که نوعی بالا بردن [آب‌های مؤنث (מים נוקבין, mayin nukvin)] بود، برای عیسو، برادرش که در بالا، از عالم تهاو است؛ جایی که او برادرش به‌شمار می‌رود.

כי יעקב יש לו ב' בחי' ר"ש [רצוא ושוב]. שוב בבחי' י' עקב ורצוא בבחי' ביטול לגמרי כו' להמשיך בחי' המקיף עליון.

زیرا یعقوب دو مرتبه دارد، شتابِ شوق‌آمیز به‌سوی بالا (רצוא, ratzo) و بازگشت (שוב, shov): بازگشت در مرتبهٔ یود و پاشنه (י' עקב, Yud eikev)، و شتاب به‌سوی بالا در مرتبهٔ خودنفی‌گری کامل (ביטול, bittul). و جز این‌ها؛ تا مرتبهٔ نور فراگیر برین را فرود آورد.

ואזי יהי' [יהיה] עשו שלמטה ממילא בטל ואזי יקוים אז אהפך אל עמים כי מעשה אבות סימן לבנים שהם עשו הכנה לבניהם לע"ל [לעתיד לבוא] במעשיהם.

و آنگاه عیسو که در پایین است، خودبه‌خود به حالتِ خودنفی‌گری درمی‌آید، و آنگاه این سخن تحقق می‌یابد: «زیرا آنگاه ملت‌ها را خواهم گرداند»؛ زیرا کردار پدران نشانه‌ای برای فرزندان است، چراکه آنان با کردارهای خود برای فرزندانشان در آینده آماده‌سازی کردند.

15 והנה העלאת מ"ן [میין نוקבין] של התקון גלוי וידוע לנו ע"פ התורה פרים בני בקר שנים כו'. בפסח כך.

ובשבועות כך כו'

اکنون، ارتقای آب‌های مؤنث (م"ן, mayin nukvin) در نظام اصلاح (תקון, Tikun) برای ما از راهِ تورا آشکار و معلوم است: «دو گاو نر جوان» و جز این؛ در عیدِ پسخ (פסח, Pesach) چنین است و در عیدِ شاوועوت (שבועות, Shavuot) نیز چنین، و جز این.

משא"כ העלאת מ"ן [میין نוקבין] לעולם התהו אין אתנו יודע עד מה האיך ומה הם הקרבנות ואיזה שיעור

רק יעקב אע"ה [אבינו עליו השלום] ידע ענינם

اما دربارهٔ ارتقای م"ן به عالمِ آشوبِ آغازین (תהו, Tohu)، «هیچ‌یک از ما نمی‌داند تا چه اندازه»: چگونگی آن، اینکه آن قربانی‌ها چیستند و چه اندازه دارند؛ تنها یعقوب (יעקب)، پدرمان، علیه‌السلام، از ماهیتشان آگاه بود.

וכך שלח קרבנות עזים מאתים כו' שהם קרבנות אחרים אשר לא כתובים בתורה בקרבנות דתקון ושיעורים אחרים.

ازاین رو قربانی‌هایی فرستاد: «دویست بز ماده» و جز این؛ قربانی‌هایی دیگر که در تورا، در میان قربانی‌های **תקון**، نوشته نشده‌اند و اندازه‌های دیگری دارند.

16 **ולכן הקריב גם גמלים שהם טמאים בקרבנות דתקון. אך בקרבנות דתהו כתיב מי יתן טהור מטמא כו'.**

ازاین رو، شترها را نیز تقدیم کرد؛ شترهایی که در قربانی‌های اصلاح (**תקון**, Tikkun) ناپاک‌اند. اما درباره قربانی‌های آشوب (**תהو**, Tohu) نوشته شده است: «چه کسی می‌تواند پاک را از ناپاک پدید آورد؟» و مانند آن.

ששם כחשכה כאורה כו' קטן וגדול שם הוא כו' השוה ומשוה כו'. וזהו ענין ויחבקהו. שעשו חיבק את יעקב.

زیرا آنجا «تاریکی چون روشنایی است» و مانند آن؛ «کوچک و بزرگ آنجا هستند» و مانند آن؛ «او برابر می‌سازد و یکسان می‌کند» و مانند آن. و این معنای «و او را در آغوش گرفت» است: عیسو (**עשו**) یعقوب را در آغوش گرفت.

17 **ובכ"מ [ובכל מקום] הזכר מחבק וכמ"ש וימינו תחבקני שהמשפיע מחבק את המקבל ומקיפו מכל צד להגביהו למעלה כו'. והיינו לפי שעשו שרשו מבחי' מקיף מעולם התהו.**

و در همه‌جا این مرد است که در آغوش می‌گیرد، چنان‌که نوشته شده است: «و دست راستش مرا در آغوش می‌گیرد»: دهنده گیرنده را در آغوش می‌گیرد و از هر سو او را فرا می‌گیرد تا او را به بالا برآورد و غیره. و این از آن روست که ریشه عیسو (**עשו**) از مرتبه نور فراگیرنده [نور]، از عالم آشفته‌گی (**תהو**, Tohu) است.

אך הדרך שיגיע לזה הוא ע"י כי והוא עבר לפניهم בחי' והוא כו' ואח"כ וישתחו ארצה שבע פעמים בחי' נפ"א [נפילת אפים] ללקט נצוצין.

اما راهی که او از آن به این مرتبه می‌رسد، از طریق «و او از پیش آنان گذشت» است؛ مرتبه «و او» (**והוא**, vehu) و غیره؛ و پس از آن، «هفت بار تا زمین خم شد»، مرتبه افتادن بر چهره (**נפילת אפים**, nefilas apayim)، برای گردآوردن جرقه‌ها.

עד גשתו עד אחיו. פי' עד שגשש ופגע באחיו דהיינו שליקט את הטוב שבעשו בחי' לבונה שע"ז הוא אחיו של יעקב שהמקיף והפנימי נלקחו ממקום א'.

«تا به برادرش نزدیک شد» (**gishto**): معنایش این است که تا راهش را با لمس کردن جست‌وجو کرد (**gishesh**) و به برادرش برخورد؛ یعنی تا خوبی موجود در عیسو، مرتبه کندر (**לבונה**, levonah)، را گرد آورد. از این راه او برادر یعقوب است، زیرا نور فراگیر و نور درونی [هر دو] از یک جایگاه گرفته شده‌اند.

18 ואזי וירץ עשו לקראתו. עשו הוא כח המלוכש בעשו הגשמי רץ ממטה למעלה לקראתו וכמשל הנרות שבטלים לאבוקה כאשר נקרבו אורם לאור האבוקה כו'.

و آنگاه: «عیسو (عشو) به سوی او دوید.» عیسو [در اینجا] نیرویی است که در عیسو جسمانی پوشیده است و از پایین به بالا به سوی او می‌دود؛ همچون تمثیل شمع‌هایی که چون نورشان به نور مشعل نزدیک می‌شود، در نور مشعل مستهلک می‌شوند، و الی آخر.

وآخر שנברר בחי' הטוב שבו אזי ויחבקו מלמעלה למטה שנכנס המקיף עליון ג"כ ביעקב.

و پس از آن‌که مرتبه نیکی موجود در او پالوده شد، آنگاه «او او را در آغوش گرفت»؛ از بالا به پایین، زیرا [نور] فراگیر برین نیز در یعقوب وارد شد.

19 ونמצא שנכללו ביעקב כל הבחי' כנ"ל. ועי"ז וישקהו בחי' נשיקין ונקוד עליו בחי' נקודות הוא בחי' חכמה והיינו לפי שבשבירה היה הסתלקות חכמה ועתה אחר הבירור הנה נתגלה.

پس روشن می‌شود که همه مراتب یادشده در بالا در یعقوب (יעקب) گنجانده شده بود. و از این رهگذر، «او او را بوسید»؛ این، مرتبه بوسه‌هاست؛ و بالای آن نقطه‌هایی نهاده شده است: مرتبه نقاط (נקודות, nekudos)، که همان مرتبه حکمت (حכמה, Chochmah) است. علت این است که هنگام شکستن، حکمت کناره‌گیری کرده بود و اکنون، پس از پالایش، آشکار شده است.

ואח"כ ויבכו הנה בכיה היא מפני שמחה או מרירות שע"י כיווץ במוח דוחה המותרות בליחות הדמעות.

و پس از آن، «و گریستند». اکنون، گریه از شادی یا از تلخی پدید می‌آید؛ زیرا بر اثر انقباضی در مغز، زوائی موجود در رطوبت اشک‌ها را بیرون می‌راند.

ועי"י שמחה הוא כמ"ש בזוהר שה"ש [שיר השירים] גבי ר"ע [רבי עקיבא] שזלגו עיניו כו'. והיינו לפי שהשמחה הוא התפשטות החיות כמ"ש ושמועה טובה טובה תדשן עצם.

و [گریه] بر اثر شادی، همان‌گونه است که در زوهار (זהר)، در شیر هשیریم (שיר השירים)، درباره رבי عقیوا (רבי عקיבא) نوشته شده است که چشمانش از اشک جاری شد و مانند آن. و علت این است که شادی، گسترش نیروی حیات (חיות, chayus) است؛ چنان‌که نوشته شده است: «خبر خوش، استخوان را فربه می‌کند.»

**וכמעשה דאספסינוס כו' הוא הילוך הדם בעורקים וכן ברוח החיות שבו וכן בהמשכות מוחין חדשים
כי יש בחי' עבור יניק' [יניקה / יניקת] מוחין.**

و همانند ماجرای وسپاسیان (اسفسیونوس) و مانند آن، این جریانِ خون در رگ‌هاست؛ همچنین در روحِ حیاتِ درون او، و نیز در فرودآوردنِ قوای عقلانی (موحין, mochin) تازه؛ زیرا مراحلِ آبستنی (عیבור, ibbur)، شیرخوارگی (یניק', yenikah) و قوای عقلانی وجود دارند.

20 והנה כשיש כלי למטה לקבל השמחה אז היא מתפשטת ונותנת מוחין חדשים. וכן עי"ז מתפשט רוח החיים לדשן עצם כנ"ל. אבל כשהכלי שלמטה קטן מהכיל אזי מתקבץ במוח ודוחה המותרות בליחות הדמעות.

اکنون، هنگامی که در پایین ظرفی برای دریافت شادی وجود دارد، شادی گسترش می‌یابد و قوای عقلانی (موحין, mochin) تازه‌ای می‌بخشد؛ و به همین ترتیب، به واسطهٔ آن، روحِ حیاتِ گسترش می‌یابد تا «استخوان را فربه سازد»، چنان‌که پیش‌تر گفته شد. اما هنگامی که ظرفِ پایین گنجایش آن را ندارد، شادی در مغز گرد می‌آید و زوائد را با رطوبتِ اشک‌ها بیرون می‌راند.

21 וענין זה היה ג"כ גבי יעקב ועשו שהי' [שהיה] התגלות בחי' כתר למעלה מעלה כו' והיה רוב שמחה שנתקרבو כ"כ [כל כך] מעלה מעלה עם מה שנפל למטה מטה בריחוק בשבה"כ [בשבירת הכלים].

این امر در مورد یعقوب (יעקب) و عیسو (عشو) نیز رخ داد: مرتبهٔ تاج (כתר, Keser)، که بسیار بسیار بالاست، آشکار شد و شادیِ عظیمی پدید آمد از اینکه بلندترین مرتبه تا این اندازه به آنچه در شکستِ ظرف‌ها بسیار پایین افتاده و دور شده بود، نزدیک شد.

**عشو وיעקב כמו שני אחין שלא رאו זא"ז [זה אל זה / זה את זה] זמן רב מאז היה שבה"כ [שבירת הכלים]. וז"ש [וזהו שכתוב] לע"ל [לעתיד לבוא] בבכי יבאו שע"י בחי' בכיה דוקא שהוא ע"י התגלות מדרגות הגבוהות כו'.
ובתחנונים אובילם אל נחלי מים:**

عیسو و یعقوب مانند دو برادر بودند که از زمانِ شکستِ ظرف‌ها، مدتِ درازی یکدیگر را ندیده بودند. و این همان است که دربارهٔ زمانِ آینده گفته شده است: «با گریه خواهند آمد»؛ یعنی به‌طور خاص از رهگذرِ مرتبهٔ گریه، که از راهِ آشکارشدنِ مراتبِ عالی است، و «با تضرع‌ها آنان را به سوی جویبارهای آب راهبری خواهم کرد».



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayishlach/5

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک